

آینده پژوهی جریان های تکفیری و انقلاب اسلامی

محمد حقی^۱

چکیده

شکل گیری و گسترش جریان های تکفیری با توجه به داشتن ویژگی هایی نظیر نقل گرایی، عقل ستیزی، وحدت گریزی و خشونت گرایی چالش های زیادی علیه گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده است. بر این اساس جهت مقابله با خطرات این جریان ها باید آینده نگری و آینده پژوهی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد و سناریوهای مختلف طراحی گردد (بحث ضرورت). مقاله حاضر به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که آینده جریان های تکفیری در مواجهه با انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود (سؤال اصلی). با توجه به مؤلفه های اساسی سناریوپردازی و سناریونویسی سه گانه خوش بینانه، بدبینانه و استمرار وضع موجود، سناریوهای آینده فعالیت جریان های تکفیری در مواجهه با انقلاب اسلامی شامل سناریوی قدرت یابی مجدد جریان های تکفیری، سناریوی شکست کامل جریان های تکفیری و سناریوی حفظ حاشیه ای جریان های تکفیری و بهره برداری قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای از آنها می شود (یافته پژوهش). در این مقاله جهت تبیین بحث از آینده پژوهی و سناریوپردازی با روش سناریونویسی سه گانه استفاده شده است (مبانی نظری و روش).

واژگان کلیدی: جریان های تکفیری، انقلاب اسلامی، آینده، سناریوپردازی.



۱- دانش آموخته حوزه علمیه قم، دکترای مدرسی انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ع).
www.iaes.ac.ir

آینده‌ی جریان‌های تکفیری و نسبت آنها با انقلاب اسلامی موضوعی پیچیده و گسترده است. به همان اندازه که نگرش‌های گوناگون در فهم واقعیت‌های مربوط به جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی مؤثرند، در ترسیم و طراحی آینده نیز نقش اساسی دارند؛ بنابراین موضوع آینده‌ی جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی را باید بحثی چندبعدی و چندجهتی دانست. جریان‌های تکفیری با تحریف چهره ناب اسلام و عملکرد خشونت‌آمیز خود به تضعیف امت اسلامی، به خطر انداختن جان مسلمانان و نهایتاً وهن دین اسلام پرداخته‌اند. اندیشه تکفیر و گروه‌های تکفیری پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ اسلام همواره وجود داشته است؛ لکن در هر دوره‌ای شکل خاصی یافته است و امروزه در قالب گروه‌هایی نظیر داعش، جبهه النصره، بوکوحرام و... ظهور و نمود پیدا کرده است. این جریان‌ها با توجه به ویژگی‌هایشان تهدیدها و خطراتی علیه انقلاب اسلامی ایجاد نموده‌اند که باید با آنها مقابله کرد.

در لزوم وجود تحلیل آینده‌ی جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی، دلایل مختلفی قابل ارائه می‌باشد؛ چراکه از طرفی آینده‌پژوهی به عنوان ضرورتی استراتژیک برای استمرار انقلاب اسلامی و کارآمدی همه‌جانبه آن محسوب می‌شود و همین مسئله باعث ایجاد آمادگی و هوشمندی کارگزاران ارشد نظام اسلامی جهت برنامه‌ریزی برای مقابله با جریان‌های تکفیری و حفظ نظام اسلامی می‌شود؛ همچنین به آسیب‌شناسی نقاطی که ممکن است برای نظام اسلامی از سوی جریان‌های تکفیری آسیب‌زا و حتی تهدیدزا باشند، منجر می‌گردد؛ بنابراین تحلیلی از آینده‌ی جریان‌های تکفیری و انقلاب اسلامی و بررسی سناریوهای محتمل امری ضروری است. بر این اساس در این مقاله بعد از پرداختن اجمالی به بحث آینده‌پژوهی، سناریوپردازی و مراحل سناریوپردازی، به مؤلفه‌های اساسی سناریوپردازی آینده فعالیت جریان‌های تکفیری در مواجهه با انقلاب اسلامی اشاره می‌شود و بر اساس تلاقی برخی از این مؤلفه‌ها و نیز با استفاده از روش سناریونویسی سه‌گانه خوش‌بینانه، بدبینانه و استمرار وضع موجود، سناریوهای آینده فعالیت جریان‌های تکفیری در مواجهه با انقلاب اسلامی طرح می‌گردد که شامل مواردی از قبیل سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری،

سناریوی شکست کامل جریان‌های تکفیری و سناریوی حفظ حاشیه‌ای جریان‌های تکفیری و بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از آنها می‌شود.

مبانی نظری پژوهش: آینده‌پژوهی و سناریوپردازی

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد و منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. آینده‌پژوهی درباره واقعیتی است که در افق‌های دوردست قرار دارد و ما آن را شناسایی کرده‌ایم؛ آن واقعیت عاقبتی است که در آینده برای ما قابل دسترس خواهد بود و موضوع خاص و مهمی برای ما محسوب می‌شود (رحمانی و ابروش، ۱۳۹۳، ص ۳۹). آینده‌پژوهی ما را قادر می‌سازد مخاطرات و فرصت‌های پیش‌رو را پیش‌بینی کنیم و این امکان را برای ما مهیا می‌سازد تا قبل از وقوع در مشکل، تصمیم‌گیری کنیم؛ همچنین به ما کمک می‌کند اهداف ارزشمند و قابل حصول را توسعه داده، راهبردهای معقولانه برای دستیابی به آنها را برگزینیم (کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

در میان پژوهش‌های مربوط به آینده باید واقعیت خارجی با تحلیل‌های آینده‌نگر در هم آمیزند. واضح است که هیچ آینده‌پژوهی‌ای نمی‌تواند از دقت، سنجش و ارزیابی علمی، به صورت جامع و مانع برخوردار باشد؛ ولی به هر صورت این پژوهش‌ها و گمانه‌زنی‌ها، زمینه‌ای را برای اندیشیدن در مورد آینده مسائل فراهم می‌آورند؛ آینده‌ای که علی‌رغم تمامی تفاوت‌ها و تناقض‌هایی که در مورد نیروهای شکل‌دهنده وجود دارد، بی‌تردید آینده‌ای پرتلاطم است (دانشیار، ۱۳۹۵، ص ۲۰۰). آینده‌پژوهی به عنوان ضرورتی کارآمد، در جهت برداشتن گام‌های بلند برای پیشرفت در نظر گرفته شده و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در حوزه‌های مختلف نیز افزون بر تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، به اوضاع و تحولات جامعه نگاهی میان‌مدت و بلندمدت دارند تا با آمادگی کامل به استقلال آن روند (عیوضی، هراتی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵).



یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، سناریوپردازی و بررسی احتمالات است. در این رابطه باید سناریوها و احتمالات موجود در آینده پدیده‌ها بررسی و پیش‌بینی شود. پیش‌بینی وضعیت پدیده‌ها در آینده ما را با وضعیت محتمل آینده آشنا می‌کند و می‌تواند به شناسایی برخی مسائل در راه پیشرفت و شناسایی مشکلات احتمالی یاری برساند. سناریونویسی عبارت است از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی دهند. سناریوها شامل تصاویری از آینده‌های محتمل اند که هدف از به‌کارگیری آنها مورد آزمایش قراردادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذشده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرد؛ سناریوها تنها به حدس‌زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کند، بلکه به ما کمک می‌کند چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و درست به تصمیم‌گیری و مدیریت امور پردازیم (هراتی، ۱۳۹۲، ص ۲۸۶).

سناریوها راه‌هایی برای اندیشیدن درباره آینده هستند؛ بنابراین هدف از سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و افزایش طیف انتخاب‌هایی است که می‌توانند در اختیار ما باشند. در واقع آنها مجموعه‌ای از داستان‌های توصیفی هستند که هر یک به بخش خاصی از آینده نظر دارند (تیشه‌بار، ۱۳۹۰، ص ۸۴). هدف برنامه‌ریزی سناریویی فقط تدوین سندهای علمی برای برنامه‌ریزی با هدف حل مشکلات نیست، بلکه فراتر از آن، دخالت در روندهای آینده است؛ همچنین سناریوسازی روندهای آینده است. سناریوسازی فقط ترسیم سناریوهای متضاد، به منظور توجیه سناریوهای مورد نظر و اصلاح و بهبود روندهای جاری نیست، بلکه ابزاری نیرومند برای شناسایی امکانات جامعه و بسیج آنها در راه آینده بهتر با توجه به نقش متغیرهای درونی و بیرونی، اثباتی و هنجاری، واقعی و آرمانی و... است. سناریوها ابزارهای نیرومند برای ایجاد آگاهی، انگیزش تخیل و اراده انسان به سمت ساختن آینده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴). سناریوسازی از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کنند. سناریو پاسخ مناسبی به این پرسش است که چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ یا چه اتفاقی

می‌افتد اگر...؟ بنابراین سناریو، پیش‌بینی و چشم‌انداز نیست؛ چه اینکه هر دو تمایل دارند خطرات را پنهان سازند. بر عکس، سناریو مدیریت ریسک و مخاطره را ممکن می‌سازد (عیوضی، میرشاه ولایتی و نظری‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳). در مجموع امروزه آینده‌پژوهی در پژوهش‌های ملی و بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد و بیشتر پژوهشگران توانسته‌اند با تبیین اصول و موضوعات این علم، مسیر جدیدی برای آینده باز کنند.

سناریوهای آینده‌ی جریان‌های تکفیری

با توجه به اهمیت بحث آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و جریان‌های تکفیری، خصوصاً با عنایت به خطرات و معضلاتی که جریان‌های تکفیری در سال‌های اخیر به وجود آورده‌اند، پرداختن به آینده این جریان‌ها و انقلاب اسلامی ضرورت پیدا می‌کند. از منظر ایجاد یک فهم مشترک نسبت به مقوله جریان‌های تکفیری و مقابله با آنها، فی‌الجمله شاهد نوعی همگرایی جهان اسلام بر محور آموزه‌های اسلام و شکل‌گیری یک هویت مشترک در مواجهه با تکفیری‌ها هستیم؛ همان‌گونه که بر اثر همین روند، یکی از نمادهای قدرتمند جریان‌های تکفیری، یعنی داعش که تبدیل به یک قدرت شده بود، عملاً فروپاشید و امروزه نشانه‌های پراکنده‌ای از آن قابل مشاهده و ردیابی است. حتی در مواردی چالش جریان‌های تکفیری، به فرصتی برای شکل‌دهی به یک هویت مشترک اسلامی و همگرایی جهان اسلام تبدیل شده است؛ همچنین با توجه به انسجام محور مقاومت تقابل فکری و سیاسی نخبگان با این جریان انحرافی به علت افشای ماهیت اصلی و شناسایی آشخور فکری و سیاسی آن و نیز واگرایی فکری و سیاسی جامعه عمومی منطقه با جریان موصوف به علت مشاهده روند تندروی‌ها و اقدامات خلاف عرف و منطق این گروه، ادامه این روند، ضامن حفاظت از منافع دولت‌های استکباری استعماری در آینده نخواهد بود؛ لذا شاهد تغییراتی در نحوه هدایت و رهبری این جریان‌ها در نقاط مختلف هستیم؛ از این رو به نظر می‌رسد در آینده شاهد نوعی تحول در ماهیت، جهت‌گیری و شیوه اجرای جریان‌های تکفیری خواهیم بود. با توجه به پیچیدگی و آشوبناکی محیط، رویکرد تحلیل سناریویی، ابزار عملیاتی مناسبی برای



بررسی آینده این جریان‌ها به نظر می‌رسد (صابر فرد و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۳۷). بر این اساس درباره سناریوپردازی آینده فعالیت جریان‌های تکفیری در مواجهه با انقلاب اسلامی، مؤلفه‌ها و پیشران‌هایی از جمله «انسجام فعالیت جریان تکفیری از منظر درون‌تشکیلاتی»، «توافق عمومی برای مقابله با جریان تکفیری»، «حمایت مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و رسانه‌ای برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تکفیری‌ها»، «ایجاد کانال‌ها و بسترهای ارتباط فیزیکی میان گروه‌های تکفیری» قابل توجه و شناسایی است که این سناریوپردازی می‌تواند حاصل تلاقی مؤلفه‌های مذکور باشد.

از طرفی یکی از فئونی که در بسیاری از موقعیت‌ها جهت سناریوپردازی آینده‌پژوهانه می‌توان از آن استفاده نمود، تدوین سه سناریو است. سناریوی اول فرض می‌کند که روندهای جاری کم‌وبیش به قوت خود باقی می‌مانند. این سناریو را می‌توان سناریوی بی‌شگفتی یا سناریوی استمرار نامید. سناریوی دوم می‌تواند بر این فرض استوار باشد که در آینده، همه چیز بهتر از گذشته خواهد بود که آن را سناریوی خوش‌بینانه می‌نامیم و سناریوی سوم چنین می‌انگارد که در آینده، اوضاع بدتر از گذشته خواهد بود و طبعاً باید آن را سناریوی بدبینانه نامید (کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). با عنایت به دو روش مذکور سناریوپردازی و با تلفیق این دو روش درباره موضوع آینده‌ی جریان‌های تکفیری، چندین احتمال و سناریو قابل تصور می‌باشد؛ البته ناگفته نماند که احتمالات و سناریوها محدود به موارد مذکور نیستند و می‌توان احتمالات و وجوهی دیگری را نیز ذکر نمود؛ لکن تمرکز مقاله بر احتمالات و سناریوهای فوق خواهد بود. بر این اساس در ادامه تلاش خواهیم کرد به بررسی سناریوهای مذکور در رابطه با آینده‌ی جریان‌های تکفیری و نحوه‌ی مواجهه‌ی آن با انقلاب اسلامی بپردازیم:

۱. سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری

اگرچه امروزه با شکست و فروپاشی ساختار داعش در پایگاه‌های اصلی‌اش، یعنی در سوریه و عراق، عملاً جریان‌های تکفیری جایگاه خود را از دست داده و از مسائل و موضوعات حاشیه‌ای محسوب می‌شوند، لکن یکی از احتمالات آینده یا به عبارتی دیگر

یکی از سناریوهای محتمل در آینده، قدرت‌یابی مجدد این جریان‌ها می‌باشد که در این صورت تحولات احتمالی گوناگونی در منطقه قابل پیش‌بینی است که می‌توان به مواردی نظیر شکل‌گیری و گسترش بحران منطقه‌ای، جنگ بین‌کشوری و منطقه‌ای و تجزیه برخی کشورها اشاره نمود. این سناریو که به نوعی سناریوی بدبینانه محسوب می‌گردد، مربوط به شرایطی است که از جریان‌های تکفیری و فعالیت‌های آنها در حوزه‌های مختلف، اعم از حوزه رسانه‌ها و حوزه مذاهب اسلامی غفلت صورت گیرد که این غفلت می‌تواند فضای کافی را برای تکثیر مجدد تفکر تکفیری و افزایش قدرت آنها فراهم نماید.

در صورتی که علمای مذاهب اسلامی نتوانسته باشند با وحدت کلمه، مبانی فکری و اعتقادی این جریان‌های را نقادی کنند و نیز همدلی و توافق لازم از سوی دولت‌های اسلامی و نخبگان آنها در عرصه‌های مختلف برای اقدامات مبنایی و مؤثر علیه جریان‌های تکفیری و مبانی آنها وجود نداشته باشد، این سناریو قابل تحقق خواهد بود. همچنین رسانه‌های عمومی و فضای مجازی در جهان اسلام نتوانسته باشند وظیفه خود را در آگاهی‌بخشی درباره این جریان‌ها انجام دهند. در نتیجه گروه‌های تکفیری می‌توانند مجدداً به بازیابی خود پرداخته، با توجه به فضای موجود برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، این جریان‌ها تا حد زیادی خواهند توانست حمایت‌های مادی، مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی را از ساختارهای ارتجاعی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و برخی دولت‌های غربی یا شبکه‌های تروریستی دریافت کنند. از سوی دیگر جریان‌های تکفیری می‌توانند مثل گذشته با دستاویز قراردادن مسائلی چون توسل از منظر مذاهب اسلامی، طلب شفاعت، تبرک، مشروعیت بزرگداشت مولید و مراثی، مسئله قبور، دعا و نیز ترسیم چهره نامناسب از مدیریت و سیاست اسلامی موجود در کشورهای نظیر ایران و سوریه و عراق و... فضای امنیت رسانه‌ای و فکری مناسبی برای خود تدارک ببینند (حسینی گلکار، ۱۳۹۳، ص ۴۹۹).

در تحقق چنین سناریویی باید به ریشه‌های شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و نقش قدرت‌های استکباری و برخی قدرت‌های منطقه‌ای توجه نمود؛ چراکه پیروزی انقلاب اسلامی و رشد اسلام‌گرایی، برخی قدرت‌های بین‌المللی را بر آن داشت با ایجاد جبهه

اختلاف فرقه‌ای، از رشد اسلام‌گرایی در منطقه غرب آسیا جلوگیری کنند. اسلام شیعی در ایران و ادعای تلاش ایران برای تأثیرگذاری بر جهان اسلام را می‌توان یکی از موضوعاتی مطرح کرد که برخی نویسندگان بر این باورند واکنش‌های سلفی تکفیری را به دنبال داشته است. موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در تقابل با اسرائیل، زمینه برای شکل‌گیری تقابل این جریان‌های تندرو در مقابل انقلاب اسلامی ایران فراهم کرده است. البته در این تقابل نقش عوامل خارجی پررنگ‌تر است. منظور از عوامل خارجی، تلاش غرب در مقابل انقلاب اسلامی است که از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا به امروز وجود داشته است. مهم‌ترین شیوه‌های غرب برای رویارویی با انقلاب اسلامی، تقویت فرقه‌گرایی در منطقه و ایران هراسی از سوی غرب است. درباره‌ی تهدیدبودن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، محافل غربی به هلال شیعی اشاره می‌کنند. با وقوع جنگ آمریکا علیه عراق و سقوط رژیم صدام حسین و به‌حکومت‌رسیدن حکومت شیعی در عراق، همچنین مقاومت و پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه، هرچه بیشتر بر نفوذ و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر منطقه مهم تلقی می‌شود. این مسئله باعث شد غرب از یک سو و برخی دولت‌های مرتجع عربی از سوی دیگر، از پیدایش نوعی «هلال شیعی» مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند (هراتی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۰).

بنا بر تأثیرات غیرقابل انکار انقلاب اسلامی، سناریوی تقویت جریان‌های تکفیری جهت تقابل با انقلاب اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد؛ از این‌رو زمینه ظهور و پیدایش افراطی‌گری و گروه‌های تروریستی چون طالبان، القاعده، داعش و... به تحولات روی داده در نظام بین‌الملل پس از وقوع انقلاب اسلامی باز می‌گردد. با وقوع رخداد انقلاب اسلامی کشورهای غربی در واکنش منفی به این رویداد و گرایش فزاینده به اسلام در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، پروژه اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را کلید زدند و عرصه را برای فعالیت مسلحانه گروه‌های افراطی و تکفیری باز گذاشتند تا از این طریق علاوه بر ایجاد اختلاف در امت اسلامی به‌خصوص بین شیعه و سنی، چهره‌ای خشن، غیرمنطقی و ضدانسانی از اسلام برای شهروندان خود به نمایش بگذارند و انقلاب اسلامی را مهار کنند.

همزمان با این سناریو، غربی‌ها با بهره‌گیری از توان ارتباطی و رسانه‌ای خود کوشیدند با بهره‌گیری از ظرفیت گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب، چهره‌ای بدوی، خشن و غیرمتمدن از اسلام را در سطح بین‌المللی بازنمایی کنند (دانشیار، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸).

با توجه به دو مؤلفه «انسجام فعالیت جریان‌های تکفیری از منظر درون‌تشکیلاتی» و «توافق عمومی برای مقابله با جریان تکفیری» در صورت انسجام مجدد ظرفیت جریان‌های تکفیری در منطقه و عدم وجود توافق عمومی در سطح دولت‌ها و نخبگان برای مقابله بنیادی با آنها، این جریان‌ها و حرکتشان به عنوان یک نحله فکری و راه‌حل‌هایی که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی مطرح می‌کنند، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ خصوصاً در کشورهایی که دچار ضعف فرهنگی، فشار سیاسی حکام مستبد و مشکلات اقتصادی‌اند. البته ماجراجویی، جذابیت‌های کاذب تکفیری‌ها و اقدامات تبلیغاتی و تشکیلاتی جریان‌های وابسته به وهابیت در مناطق مختلف جهان نیز به عنوان مؤلفه‌ها و پیشران‌های دیگر این جریان می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. مؤید این موضوع گرایش جوانان برخی مناطق و عضویت آنها در داعش، از چند کشور جهان بود؛ از این رو بر اساس این سناریو احتمال می‌رود در آینده شاهد افزایش تشکیل تشکل‌های غیررسمی با گرایش‌های تکفیری در کشورهای مختلف باشیم؛ به‌ویژه در مناطقی که تحت سیطره فرهنگی جریان وهابی بوده یا قرابت‌های مذهبی نزدیک با این جریان دارند (صابرفرد و جعفری، ۱۳۹۴؛ ص ۴۰).

در صورت تحقق سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری، تحولات احتمالی مختلفی در منطقه قابل پیش‌بینی است که می‌توان به مواردی نظیر شکل‌گیری و گسترش بحران منطقه‌ای، جنگ بین‌کشوری و منطقه‌ای و تجزیه برخی کشورها اشاره نمود. با توجه به وجود مشکلات و معضلاتی نظیر ناامنی و تنش در برخی کشورهای منطقه، در صورتی که جریان‌های تکفیری مجدداً تقویت شده، در مناطق یا کشورهایی اعلام موجودیت مجدد نمایند، این مسئله می‌تواند به افزایش بحران‌های منطقه‌ای و احتمال بروز جنگ‌های بین‌کشوری منجر شود، چراکه با وجود تنش‌های داخلی در کشورهایی مثل سوریه و



افغانستان در حال حاضر که یک طرف این تنش‌ها گروه‌های تکفیری هستند و این تنش‌ها هرچه بیشتر ادامه یابد، فضا برای فعالیت‌های جریان‌های تکفیری فراهم خواهد شد و احتمال سرایت تنش‌ها به همسایگان بیشتر می‌شود و به سمت ایجاد خشونت بیشتر و گسترده‌تر حرکت می‌کند. دولت‌های همسایه اغلب به دلیل مداخله برای کمک به یکی از طرفین درگیری، یا پناه‌گیری معارضان در خاک آنها و تدارک و سازماندهی حملات خود از آنجا به جنگ‌های داخلی کشیده می‌شوند؛ همان‌گونه که بحران سوریه از یک سو منجر به ورود گروه‌های تخریبی عربستان، ترکیه و قطر شد و از سوی دیگر ایران، روسیه، عراق و حزب‌الله جهت مبارزه با تروریسم وارد عرصه شدند. در نتیجه چنین ورودی، دو جبهه موازی درخصوص بحران سوریه شکل گرفت: عربستان، ترکیه و قطر به نیابت از آمریکا و غرب به کمک به تروریست‌ها برای براندازی حکومت سوریه و بشار اسد اقدام کردند. از سوی دیگر جبهه ایران، روسیه و حزب‌الله به کمک سوریه شتافتند و توانستند از گسترش داعش جلوگیری کرده، باعث انزوای داعش شوند.

همچنین جنگ‌های داخلی می‌توانند اثر مسری داشته باشند؛ به این معنا که مشکلات ناشی از جنگ داخلی یک کشور - مانند تروریسم، آوارگان، جدایی طلبی، افراط‌گرایی مردم کشورهای همسایه، اختلالات اقتصادی و مداخله - از مرزها فراتر رفته، زمینه‌های بروز جنگ داخلی در دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای همسایه را فراهم کند. علی‌الخصوص منطقه غرب آسیا که به دلایل مختلف در مقابل این مسئله آسیب‌پذیری بیشتری دارد؛ زیرا دارای مرزهای پرمنفذ بوده، گروه‌های قومی - فرقه‌ای در نواحی مرزی زندگی می‌کنند و اغلب ضعف‌های حاکمیتی نیز دارند؛ برای مثال بروز درگیری و خشونت‌ها در سوریه به همراه مسائلی در جامعه عرب ظهور داعش در مناطق در مختلف سوریه و عراق را تسهیل کرد یا بر اثر جنگ داخلی عراق، سوریه و یمن روابط قدرت‌های منطقه به شدت تیره شد و اصطکاک و تنش‌های زیادی بین آنها ایجاد شد. از جمله روابط ایران و عربستان به بدترین حالت در چند دهه اخیر رسید و روابط ایران و ترکیه بر اثر حمایت ترکیه از جبهه‌های مختلف در سوریه با مشکل مواجه شد. اتحادها و صف‌بندی‌های عربستان و ایران در مقابل



یکدیگر زمینه‌ساز جنگ نیابتی در سوریه و یمن شد. در واقع پس از تبدیل تحولات انقلابی جهان عرب به جنگ‌های داخلی، حوزه‌های رقابت و تقابل ایران و عربستان از لبنان و فلسطین به سوریه، عراق، بحرین و یمن کشیده شد؛ به گونه‌ای که این حوزه‌ها به میدان جنگ نیابتی این دو رقیب منطقه‌ای و ایدئولوژیک تبدیل شد (کرم‌زادی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۴).

از دلایل کشیده‌شدن جنگ یا بی‌ثباتی شدید داخلی به جنگ بین دولت‌ها حمله فرصت‌طلبانه دولت‌های دیگر یا فرافکنی مشکلات دولت درگیر جنگ داخلی است که رهبران آن ممکن است برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی به سمت خارج از آن استفاده کنند. علاوه بر این، به بهانه مقابله با فعالیت گروه‌های تکفیری، کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا که در قالب ائتلاف بین‌المللی ضد داعش یا ضد تروریسم مجدداً به عراق برگشته و با نقض حاکمیت سرزمینی سوریه، فعالیت خود را در منطقه افزایش دادند.

در راستای سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری، یکی از احتمالات ممکن، تجزیه کشورهای مثل سوریه و حتی افغانستان است که البته از اهمیت کمتری از بُعد تحقق آن نسبت به سایر سناریوهای مطرح شده، دارد؛ چراکه در وضعیت فعلی و با فروپاشی تشکیلات داعش تا حدودی این مسئله مدیریت و کنترل گردیده است. نیروهای تکفیری در صورتی که در سوریه یا افغانستان برای گسترش مجدد نفوذ خود تلاش کنند تا مناطق بیشتری را در اختیار بگیرند، از طرفی نیز دولت‌های استعماری به‌ویژه آمریکا که اهداف زیادی در منطقه دارد، این جریان‌ها را در سوریه مجدداً تقویت نماید و امکانات بیشتری در اختیارشان بگذارد؛ نیز حمایت برخی دولت‌های منطقه‌ای از جریان تکفیر صورت گیرد، زمینه برای تجزیه سوریه یا افغانستان فراهم می‌گردد؛ چراکه دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا و انگلیس به همراه رژیم صهیونیستی همواره به دنبال تجزیه و تضعیف جهان اسلام و کشورهای اسلامی بوده و هستند و از هر ابزاری در این راستا استفاده می‌کنند و امروزه وجود جریان‌های تکفیری اگرچه به صورت تضعیف‌شده می‌تواند ابزاری در این راستا تلقی شود.

همچنین قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری در کشوری مثل عراق در آینده می‌تواند منجر به تقسیم این کشور به سه کشور (کشور کردها، شیعیان و اهل سنت) شود. طرح

سه منطقه‌ای شدن عراق قبلاً توسط جو بایدن، معاون رئیس جمهور سابق آمریکا (اوباما) در سال ۲۰۰۶ میلادی بیان شده بود؛ البته در آن زمان وی خواستار اعطای خودمختاری گسترده به گروه‌های قومی مذهبی کردها، سنی‌های عرب و شیعیان عرب در مناطق خودشان تحت حکومت مرکزی بغداد بود و حکومت مرکزی باید به دفاع از مرزها، سیاست خارجی و مدیریت درآمدهای نفتی می‌پرداخت. این طرح در سال ۲۰۱۵ میلادی نیز توسط دیگر مقامات آمریکا تکرار شد. تقسیم عراق یا مرکزیت‌زدایی آن، برای مثال موجب می‌شود دولت مستقل یا دارای استقلال زیاد کردها الگو و پشتیبان فرایند استقلال‌یابی یا خودمختاری کردهای ترکیه، ایران و سوریه باشد که تمامیت ارضی این کشورها را تهدید می‌کند. در واقع تجزیه عراق یا مرکزیت‌زدایی از آن می‌تواند شروعی برای تجزیه کشورهای فوق‌الذکر باشد. خطر تجزیه کشورهای خاورمیانه و تشکیل کشورهای جدید می‌تواند جنگ‌های بیشتری را در آینده پدید آورد (همان، ص ۱۳۱).

در راستای تجزیه کشورهای منطقه در دوران قبل از فروپاشی داعش، هر یک از نیروهای جبهه النصره و داعش از هر گونه برخورد با یکدیگر در سوریه پرهیز کردند. علاوه بر این، داعش تعداد زیادی از اعضای جبهه النصره را به عضویت در صفوف خود در آورد؛ همچنین شماری از اعضای مجلس شورای مجاهدین و نیز عناصری از ارتش مهاجرین و انصار به داعش پیوستند. تعدادی از جنگجویان پیشین ارتش آزاد سوریه و عناصری از جنبش‌های احرار الشام و التوحید هم به عضویت داعش درآمدند. این وسعت نفوذ باعث شد در آن مقطع امکان سقوط دمشق در برخی تحلیل‌های سیاسی جا باز کند (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸).

همچنین در صورتی که جریان تکفیری دارای انسجام تشکیلات بوده، قوای مقابل آنها همگرایی و اتحاد لازم را داشته باشند، شاهد تقابلی خون‌بار خواهیم بود که به‌مانند دو جنگ عراق و افغانستان بیشترین تلفات متوجه مردم غیرنظامی خواهد بود. جریان تکفیری به علت داران‌بودن پایگاه مردمی و زیرساخت‌های مستحکم حاکمیتی در مقابل تهاجمات درازمدت، عملاً ضربه‌پذیری بیشتری داشته و چون توان عملیاتی مقابله درازمدت را ندارد،

سعی خواهد کرد با دست‌اندازی به حوزه‌های خارج از میدان جنگ و اعمال جنگ روانی، فشار را به سایر حوزه‌ها انتقال داده، هزینه آن را برای دشمنانش افزایش دهد. در چنین شرایطی شاهد افزایش حملات تروریستی، بمب‌گذاری، حمله به شهرها و روستاهای بی‌دفاع، ایجاد جو ناامنی، رعب و هراس گسترده در منطقه و از همه مهم‌تر، تداوم جنگ شهری خواهیم بود؛ زیرا از استحکامات شهری و مردم بی‌دفاع به عنوان سپر انسانی بهره‌برداری نموده، این امر، نفوذ قوای مقابل را با کندی مواجه خواهد ساخت. بر همین اساس شاهد فرسایشی شدن جنگ خواهیم بود که پیامدهای منفی آن عمدتاً گریبان‌گیر مردم منطقه بوده و پیروز اصلی آن، جناح استکبار است؛ زیرا اثرات این امر کاهش قدرت حاکمیت مرکزی و تداوم حضور نظامی و سیاسی غرب و حامیان آن در منطقه خواهد بود.

بر همین موازات، حلقه تأمین‌کننده مالی و پشتیبانی جریان تکفیری به دنبال بروز بن‌بست و فرسایشی شدن تقابل سعی خواهند نمود مناطق دیگری که ظرفیت‌های لازم را دارد، فعال کنند. ویژگی‌های مشترک این‌گونه مناطق به شرح زیر است:

- مناطق مسلمان‌نشینی که در سال‌های اخیر تحت سیطره فرهنگی جریان وهابی قرار داشته‌اند.

- مناطق مسلمان‌نشینی که دچار ضعف فرهنگی شدید بوده، از تعالیم ناب اسلامی کم‌بهره‌اند.

- فقر مالی و تنگدستی اقشار قابل‌توجهی از مردم ساکن آن کشورها.

- زمینه‌های تضاد قومی و قبیله‌ای جدی بین مسلمانان و سایر اقوام همجوار.

- کشورهای مسلمانی که در سال‌های اخیر دچار تلاطم‌های شدید سیاسی و تغییرات مکرر قدرت حاکم بوده‌اند.

- وجود ظلم و فساد حاکمان و اختلافات طبقاتی شدید اجتماعی.

بر این اساس آسیای جنوب شرقی و آسیای مرکزی (مناطق مسلمان‌نشین شبه‌جزیره هند، چین و آفریقای مرکزی) زمینه آستن وقوع این جریان با رویکردهای متنوع و منطبق با شرایط محیط راهبردی حاکم بر آن مناطق هستند؛ به بیان دیگر ما شاهد بروز جریان‌های

تکفیری متعدد و متنوع خواهیم بود (صابرفرد و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

تحقق سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری می‌تواند چالش‌های زیادی را علیه انقلاب اسلامی به وجود آورد؛ از طرفی با تضعیف یا تجزیه کشورهای مثل سوریه، محور مقاومت آسیب‌پذیر می‌شود؛ از طرف دیگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران برخی از مهم‌ترین دولت‌ها و کشورهای حامی خود را از دست می‌دهد و در نهایت در منطقه با قدرت‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود که با انقلاب اسلامی ضدیت و مخالفت شدید داشته، به دنبال جایگزین شدن تأثیرگذاری انقلاب اسلامی هستند و طبعاً چنین قدرت‌ها و جریان‌هایی مشکلات و چالش‌های متعدد فکری، فرهنگی و امنیتی را برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی می‌توانند داشته باشند. البته همان‌گونه که در تحولات سوریه و عراق اتفاق افتاد، در این زمینه جریان‌های تکفیری راه بسیار دشواری دارند؛ زیرا قدرت‌ها و دولت‌هایی مثل روسیه، جمهوری اسلامی ایران، عراق و حتی ترکیه و تا حدودی عربستان که برخی از بازیگران اصلی منطقه هستند، خواهان روی کار آمدن خلافت و دولت اسلامی جریان‌های تکفیری نیستند. این مسئله عمیقاً با منافع آنها در تضاد است و در صورت قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری، دیر یا زود امنیت کشورهای مذکور نیز با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهد شد (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸).

همچنین در صورت تحقق این سناریو چالش‌هایی از جمله حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی، ترویج اسلام‌هراسی و نا امن‌سازی جهان اسلام، تقابل با هویت شیعی، از میان بردن بسترهای گفت‌وگوی منطقی، تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی برای انقلاب اسلامی چالش‌آفرین خواهد بود که البته با توجه به راهبردها و راهکارهای ارائه شده این چالش‌ها قابل مدیریت و رفع هستند. در این زمینه راهبردها و راهکارهایی همچون تبیین صحیح گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی، دیپلماسی و تش‌زدایی بین کشورهای اسلامی، همگرایی اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه، روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری، تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام، آگاهی‌بخشی نسبت به

جریان‌های تکفیری و مخاطرات آن، تبیین اسلام رحمت و بازگشت به قرآن، دیپلماسی فرهنگی و تقریب مذاهب اسلامی، تقویت دیپلماسی رسانه‌ای و تلاش تشکیل نهضت علمی جهت مقابله با جریان‌های تکفیری قابل ارائه می‌باشد.

در این زمینه باید راهکارهایی از جمله رویکرد روشننگری و رویکرد دموکراتیک پیگیری شود؛ از طرفی با رویکرد روشننگری، تلاش مضاعف برای آگاهی‌بخشی درباره خطر جریان‌های تکفیری و ایجاد بستر مناسب برای همفکری و تعامل علما و فرهیختگان به منظور نقد کامل و شفاف تفکر تکفیری و نهایتاً ایجاد وفاق و همدلی برای مقابله با جریان‌های تکفیری و گسترش آنها صورت گیرد و از سوی دیگر با رویکرد دموکراتیک، تلاش گسترده رسانه‌ای - به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی - برای روشننگری بخش عمومی در باب مغالطات اندیشه و مخاطرات اقدام تکفیری‌ها انجام شود (حسینی گلکار، ۱۳۹۳، ص ۴۹۹)، و الا - همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید - غفلت از این جریان‌ها و فعالیت‌های آنها در حوزه‌های مختلف، اعم از رسانه‌ها و مذاهب اسلامی می‌تواند فضای کافی را برای رشد و گسترش مجدد تفکر تکفیری و افزایش قدرت آنها فراهم نماید. در صورتی که مبانی فکری و اعتقادی این جریان‌ها نقد نشود و نیز توافق لازم از سوی دولت‌های اسلامی برای اقدامات مبنایی و مؤثر علیه جریان‌های تکفیری و مبانی آنها وجود نداشته باشد، همچنین رسانه‌های عمومی در جهان اسلام نتوانسته باشند وظیفه خود را در آگاهی‌بخشی درباره این جریان‌ها انجام دهند، این سناریو قابل تحقق خواهد بود و در نتیجه گروه‌های تکفیری خواهند توانست مجدداً به بازیابی خود و قدرت‌نمایی پردازند.

البته در کنار نکات مطرح‌شده توجه به این نکته هم ضروری است که از دیگرراه‌هایی که برای تحقق سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری وجود دارد و به‌نوعی متأسفانه امروزه بخشی از آن اجرا می‌شود، تکمیل پروژه‌ای است که برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی با کمک غرب در عراق و لبنان تعقیب می‌کنند و آن، روی کار آوردن دولت‌های غربگرا و تضعیف محور مقاومت و در نتیجه میدان‌یافتن جریان‌های تکفیری می‌باشد. در صورتی که در این کشورها با دخالت‌هایی که غرب و عربستان در انتخابات‌های



مختلف داشته و هزینه‌های سنگینی که خرج شده، دولت‌هایی به قدرت برسند که از طرفی گرایش‌های غربگرایانه داشته باشند و از سوی دیگر تمایل به ائتلاف با برخی گروه‌های تکفیری داشته باشند، در این صورت با توجه به فراهم شدن فضا برای رشد و قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری، محور مقاومت تضعیف شده، ارتباطات این جبهه مختل و در نتیجه به کاهش حوزه نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

۲. سناریوی شکست کامل جریان‌های تکفیری

این سناریو که یک سناریوی مطلوب و به تعبیری خوش‌بینانه و در راستای اهداف و مصالح انقلاب اسلامی است و در عمل نشانه‌هایی از جمله فروپاشی داعش مؤید آن می‌باشد، می‌تواند با اجماع و اتحاد اندیشمندان و فرقی اسلامی برای مقابله بنیادین و اصولی با جریان‌های تکفیری و نیز حضور متعهدانه رسانه‌ها و آگاهی‌بخشی‌شان همچون تقویت دولت‌های محور مقاومت به تدریج شرایطی فراهم شده تا اقدامات مؤثر جهت سوق جریان‌های تکفیری تا مرز نابودی کامل انجام پذیرد (حسینی گلکار، ۱۳۹۳، ص ۵۰۱).

جمهوری اسلامی ایران همواره از جریان‌های تکفیری تبری جسته و تلاش خود را در جهت از بین بردن چنین جریان‌هایی به کار برده است. با توجه به ویژگی‌های جریان‌های تکفیری، از جمله تأکید بر نص، مخالفت با فلسفه، حجیت صدر اسلام و نیز تأکید افراطی بر نقل با بی‌توجهی به علم و عقل، مهم‌ترین بنای فکری آنها توسعه معنایی و مصداقی شرک و کفر است. تقریباً همه فرقه‌های اسلامی در تیررس اتهامات تکفیری‌ها هستند. آنها همه دولت‌های اسلامی را کافر تلقی می‌کنند و این کفر جدید را شدیدتر از کفر دوران جاهلیت می‌پندارند؛ بنابراین آینده روشنی برای آنها چندان قابل تصور نیست. از طرفی نفوذ سرویس‌های امنیتی و جاسوسی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در گروه‌های تکفیری آن را به صورت یک گروه فشار خشن و تروریستی علیه ملت‌های مسلمان و دولت‌ها درآورده است. رهبری این گروه‌ها عمدتاً تحت نفوذ سرویس‌های جاسوسی غرب قرار دارد.

گروه‌های خشن و افراطی به دلیل ماهیت خشن و حمایت قدرت‌های استکباری از آنها نمی‌توانند آینده روشنی داشته باشند و تعصب، جهالت، رذالت و جنایت در آینده جهان

اسلام و در جهان معاصر که دوران عقلانیت و منطق است، راه به جایی نمی‌برد (دانشیار، ۱۳۹۵، ص ۲۲۵).

امروزه جریان‌های تکفیری مخالفان زیادی را در اطراف خود می‌بیند که هر یک اهداف خاصی را دنبال می‌کنند؛ برای مثال یکی از اهداف آمریکا از حمله به داعش بهبودبخشیدن به موضع خود نزد افکار عمومی بود یا یکی از مهم‌ترین اهداف روسیه حفظ امنیت در کشورهای هم‌پیمان خود بود. از سویی جریان‌های تکفیری قدرت ابتدایی خود را از دست داده و با فروپاشی داعش روز به روز در حال تضعیف و نابود شدن هستند. این امر در کنار نقش مؤثر جمهوری اسلامی ایران و حمایت مردم عراق و سوریه از دولت و ارتش خود و در نتیجه تقویت این دو کشور جبهه مقاومت، نشانه‌های افول جریان‌های تکفیری را آشکارتر کرده است. جریان‌های تکفیری به تدریج حتی برخی حامیان اولیه خود را نیز نگران کرده است؛ زیرا برای این حامیان قابل پیش‌بینی است که گروه‌های تکفیری زمینه و استعداد حمله به کشورهای عربی چون عربستان و کویت را دارند؛ اگرچه از جانب این کشورها کمک‌های زیادی دریافت کرده‌اند، به لحاظ دینی، حکومت این کشورها را طاغوت می‌دانند. در اندیشه این جریان‌ها حتی کشوری مانند عربستان هم به معنای واقعی اسلامی نیست. مجموعه عوامل ذکر شده و عوامل دیگر، شکست جریان‌های تکفیری را بیش از پیش در اذهان متبادر ساخته است (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲).

همچنین به نظر می‌رسد در صورت انسجام کامل دولت‌های اسلامی و نخبگان فکری و نیز رسانه‌های جهان اسلام جهت تقابل علیه جریان تکفیری و ادامه روند رو به ضعف و شکننده این جریان و نیز با توجه به نابودی استحکامات و قابلیت‌های فیزیکی آن، شاهد انفعال بیشتری از این جریان‌ها باشیم که البته احتمال دارد بعد از مدتی انفعال هدفمند، شاهد ظهور این جریان با ماهیتی جدید که تطابق لازم با روایت‌های حاکم بر اذهان عمومی و شرایط محیطی را داشته باشد، خواهیم بود. احتمالاً گروهی با رویکردی مدرن و میانه‌رو از دل این جریان‌ها منشعب خواهد شد و بر اساس مدل اسلام آمریکایی (میانه‌رو) عمل خواهد کرد. مشابه این روند را در خصوص جریان القاعده شاهد بودیم. زمانی که این جریان زمینه و



بهانه تهاجم و حضور منطقه‌ای غرب را در خاورمیانه فراهم نمود، ادامه حیات آن به شیوه قبلی با منافع راهبردی غرب همخوانی نداشت، تا آنجا که برخورد خصمانه با القاعده تا مرز کشتن سرکرده آن را در پی داشت. در ادامه شاهد تضعیف حاکمیت و انزوای تبلیغاتی القاعده و در نتیجه اصلاح ماهیتی بودیم. در صورتی که جریان‌های تکفیری، در حال نوعی به اصطلاح پوست اندازی راهبردی و تاکتیکی بوده که تحت عنوان جریانی با ماهیتی نو در حال نقش-آفرینی است؛ لذا در شرایط موجود که دولت‌ها و گروه‌های مختلف در مقابله با جریان‌های تکفیری فی الجمله با هم به توافق رسیده و با ایجاد محدودیت‌های سنگین و با برخورد نظامی عملاً آنها را به حاشیه برده‌اند، این ظرفیت وجود دارد که جریان موصوف با حمایت غرب و برخی قدرت‌های منطقه‌ای در آینده با ماهیتی جدید و مأموریتی جدید نمایان شده و به نقش آفرینی در راستای منافع استکبار پردازد (صابرفرد و جعفری، ۱۳۹۴، ص ۴۲).

به هر حال در چارچوب سناریوی شکست جریان‌های تکفیری، این جریان‌ها با این سبک و شیوه‌ای که دارند، جایی در آینده جهان اسلام ندارند و اقدامات و جنایات آنان سندی بر نابودی آنان است؛ چراکه آنان نابودکننده فرهنگ و تمدن هستند. در صورت استحاله و شکست این جریان‌ها، دیگر مسئله جریان‌های تکفیری موضوع روز نخواهد بود و چالش خاصی نیز برای انقلاب اسلامی و گفتمان آن نخواهد داشت؛ به عبارتی از این حیث که این جریان‌ها کلاً موضوعیت نخواهند داشت، هیچ چالشی برای انقلاب اسلامی نخواهد بود و همین مسئله تبدیل به فرصتی برای انقلاب اسلامی خواهد بود؛ چراکه انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت عقل و منطق محور خود آینده روشنی برایش متصور است و این گفتمان تأثیر خود را بر فکر و اندیشه بخش قابل توجهی از نخبگان و مردم در کشورهای مختلف گذاشته و خواهد گذاشت و ان شاء الله روز به روز شاهد افزایش این تأثیرگذاری خواهیم بود.

۳. سناریوی حفظ حاشیه‌ای جریان‌های تکفیری و بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

از جمله سناریوهای مطرح در زمینه‌ی آینده‌ی جریان‌های تکفیری، حفظ حاشیه‌ای این



جریان‌ها به شکل وضع موجود، ادامه تنش‌های مقطعی و بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از این مسئله در راستای منافع مادی و سیاسی خود و علیه انقلاب اسلامی می‌باشد. در این سناریو با وجود تلاش رسانه‌ها برای آگاهی‌بخشی درباره جریان‌های تکفیری و ایجاد کمپین عمومی علیه آنها، به دلیل اینکه توافق تمام‌عیاری بین دولت‌ها، اندیشمندان و فرهیختگان جوامع اسلامی برای مقابله اصولی و بنیادین با جریان‌های تکفیری وجود ندارد، این جریان‌ها می‌توانند سطوحی از پشتیبانی را برای انجام اقدامات تروریستی و حملات انتحاری در مناطق گوناگونی که به عنوان هدف در سطح منطقه یا جهان شناسایی کرده‌اند، به دست آورند. همان‌گونه که امروزه در بخش‌هایی از خاک سوریه چنین اتفاقاتی مکرر صورت می‌گیرد یا در کشورهای مثل و افغانستان اقدامات تروریستی متعددی صورت می‌گیرد و جریان‌های تکفیری و داعش مسئولیت آنها را نیز بر عهده می‌گیرند.

اگرچه جریان‌های تکفیری با محوریت داعش ظرف یک سال گذشته شکست‌های متعدد و مهمی را هم در جبهه عراق و هم در جبهه سوریه متحمل شده و در خلال این شکست‌ها هم به توانایی مالی و اجرایی این گروه ضربات سنگینی وارد شده است و هم تعداد زیادی از اعضا و کادر رهبری آن از بین رفته و امروز کمتر منطقه‌ای در عراق و سوریه باقی مانده که شاهد تجمع منظم و بقایای اداری-اجرایی این گروه‌ها باشد، لکن شواهد زیادی وجود دارد که تعداد قابل توجهی از افراد این گروه‌ها راهی افغانستان یا شمال آفریقا شده‌اند؛ بنابراین احتمال تشدید فعالیت‌های تروریستی چه در کشور افغانستان و چه در کشورهایمانند لیبی یا شبه جزیره سینا (مصر) زیاد است و بارقه این امر در ماه‌های اخیر مشاهده شده است. مشکل عمده مناطق مذکور آن است که این مناطق به دلیل بی‌ثباتی سیاسی، سابقه سرکوبگری و وضعیت نامناسب اقتصادی و معیشتی بستر مناسبی برای رشد چنین ایده‌هایی هستند.

مشکل اصلی که قبلاً توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران مسائل منطقه خاورمیانه عربی گفته شده بود و امروزه توسط سیاستمداران تکرار می‌شود، آن است که شکست‌های مداوم گروه‌هایی مانند داعش یا جبهه النصره به معنای پایان کار این نوع دیدگاه و ایدئولوژی

نیست و زمینه‌های مناسب متعددی در منطقه برای بروز مجدد چنین نگرش‌ها و ایده‌هایی وجود دارد. ناآرامی‌های سیاسی به‌خصوص در سوریه، افغانستان و عراق، بافت طایفه‌ای-قومی این کشورها و وضعیت نامناسب اقتصادی و معیشتی، در مجموع زمینه را برای شکل‌گیری و رشد هر گروه رادیکالی آماده می‌کند که به توده‌های خسته از بحران‌های متراکم و متعدد موجود وعده ارزشمندی، بهبود و عزت می‌دهند. در واقع در چنین بستری است که می‌توان منتظر بود این ایده‌ها در مناطقی مانند لیبی نیز رشد و گسترش یابد؛ از این رو این برداشت که شکست گروه‌های رادیکالی مانند داعش به معنای پایان کار چنین ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌هایی نیست، برداشتی منطقی و مطابق با واقع است که پیش‌تر پژوهشگران تحولات خاورمیانه عربی بیان کرده بودند.^۱

نکته مهم و قابل توجه این است که در ماه‌های اخیر حملات انتحاری در کشور افغانستان به صورت نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و حضور داعش در این کشور را پررنگ‌تر از گذشته کرده است؛ همچنین این گروه در فراخوان‌های مختلف از هواداران خود در سراسر جهان خواسته است که اگر نمی‌توانند به عراق و سوریه بروند، به افغانستان بیایند و جایگاه خود را در این کشور تحکیم کنند. داعش در یک فیلم تبلیغاتی ضمن بیان مواضع افراطی خود، شمال و شرق افغانستان را به مثابه یکی از «گزینه‌های مهاجرت» به هواداران خود معرفی کرده است.^۲

در وضعیت فعلی با اینکه توافق اجمالی دولت‌ها یا نخبگان اسلامی جهت مقابله با جریان‌های تکفیری وجود دارد، به دلایل مختلف سیاسی از جمله نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نفوذ آنها در تصمیم‌گیری‌های برخی دولت‌های اسلامی، اقدام مؤثر علیه اندیشه‌ها یا ظرفیت‌های جریان‌های تکفیری، به‌ویژه در کشورهایی که این جریان‌ها فعالیت نسبی و حاشیه‌ای دارند، صورت نمی‌گیرد، بر این اساس فضا برای حفظ موقعیت این

۱- ر.ک: نبوی، در: <http://akharinkhabar.ir/analysis/4185153>.

۲- به نقل از: وب سایت انصار، روزنامه صبح افغانستان، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶، در:

<http://www.ansardaily.com/view.php?kindex=8931>.

جریان‌ها فراهم است؛ برای نمونه در افغانستان با توجه به نقش آمریکا که از طرفی در تصمیمات دولت افغانستان نفوذ داشته، به بهانه همکاری و کمک به افغانستان، تأثیرات غیرقابل انکاری در سیاست‌های این کشور دارد و از طرفی دیگر آمریکا در این کشور از طرق مختلف عملاً به حفظ و گسترش قدرت جریان‌های تکفیری و افراطی کمک می‌کند. البته این جریان‌ها نیز با ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه، به‌ویژه در کشور سوریه و افغانستان در راستای اهداف دولت‌های استعماری به‌ویژه آمریکا حرکت کرده است، طبعاً آمریکا نیز تمایل دارد از ظرفیت این جریان‌ها جهت تحقق منافع خود بهره‌مند باشد.

در چنین فضایی و در قالب این سناریو، جریان‌های تکفیری با افزودن اقدامات تروریستی خود به شکل حملات انتحاری، ترور شخصیت‌های سیاسی و ملی - مذهبی، افزایش گروگانگیری و...، در منطقه ادامه حیات خواهند داشت. این روند فقط در کشورهای درگیر اتفاق نمی‌افتد، بلکه دامنه آن، کشورهای دیگر را به‌ویژه کشورهایی که اتباع آنان در داعش حضور داشتند، شامل می‌شود؛ البته کم و کیف این مسئله به قدرت دولت‌ها در مدیریت ناامنی ارتباط دارد. اینکه میزان و شدت این ناامنی‌ها چقدر می‌تواند باشد یا اینکه دولت‌های مرکزی تا چه میزان موفق به مدیریت ناامنی می‌شوند و مهم‌تر اینکه آیا ما شاهد گسترش ناامنی به سایر کشورها خواهیم بود یا نه، باید پاسخ به این پرسش‌ها را به میزان موفقیت نیروهای نظامی و امنیتی این کشورها همچنین افزایش نفوذ و قدرت دولت‌های مرکزی بر مناطق دور دست خود و افزون بر آن عدم تأثیر سوء بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مرتبط دانست؛ همچنین باید دید آینده منطقه در بستر مبارزه با جریان‌های تکفیری آستن چه تحولاتی است؟ یکی از نکات مهم این سناریو در دوران پساداعش این است که یا باید اساس و ریشه این تفکر و جریان تروریستی از بین برود - که شرایط و بسترهای نابودی آن فراهم نیست. حال که این بستر نابودی وجود ندارد، این جریان‌ها پس از شکست داعش در سوریه و عراق با توجه به اینکه خود را منحصر به منطقه خاصی نمی‌دانند، آمادگی مهاجرت و فعالیت در هر نقطه از جهان را برای خود تصویر می‌کنند؛ پس می‌توان انتظار ظهور مجدد داعش و جریان‌هایی شبیه آن را مضاف بر عراق، سوریه و



افغانستان، در مناطق دیگر از جهان از جمله آفریقا یا دیگر مناطق داشت. از طرفی نیز بافت فرهنگی اجتماعی، وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی بیشتر کشورهای خاورمیانه، زمینه را برای ظهور اندیشه‌های رادیکال تسهیل و فراهم می‌کند.^۱

البته در این وضعیت، جمهوری اسلامی ایران به مدد بهره‌مندی از جریان ناب اسلامی شیعه و شور اهل‌بیتی موجود در بین مردم، از انسجام نسبی اجتماعی در تقابل با جریان تکفیری بهره‌مند بوده و جریان‌های تکفیری به استثنای موارد خاص از جمله اقدام تروریستی در حرم امام خمینی علیه‌السلام و مجلس شورای اسلامی قادر نبوده است از این سد عبور کنند و ثابت شد که ملت و دولت ایران قدرتمند بوده و در آینده نیز این چنین خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران ضمن مقابله جدی با جریان‌های تکفیری، نه تنها از فروپاشی کشورهای عراق و سوریه جلوگیری نمود، بلکه تهدیدها را نیز تبدیل به فرصت کرد که می‌توان به مواردی از قبیل گسترش دامنه نفوذ ایران در سوریه، عراق و لبنان نسبت به قبل، ارائه مدل و الگوی مناسب جنگ کلاسیک و غیرکلاسیک (بسیج مردمی) علیه گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه، تقویت خودباوری درونی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه مقابله با تهدیدات دشمنان انقلاب اسلامی، تثبیت جایگاه ایران در حل معادلات و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی در افکار عمومی ملت‌ها و برخی دولت‌ها و کمک به انسجام و اتحاد بیشتر محور مقاومت در برابر جبهه مقابل اشاره نمود.

به نظر می‌رسد در این وضعیت، ابتدا باید از هرگونه تلاش این جریان‌ها به منظور جلب حمایت‌های بین‌المللی در راستای مشروعیت‌بخشی به اقداماتشان ممانعت کرد و در عین حال به آگاهی‌بخشی در حوزه‌های مختلف اقدام کرد؛ به‌ویژه مباحث روشنگرانه‌ای که فرّق اسلامی در رسانه‌ها، در راستای ترسیم چهره نفاق تکفیری‌ها می‌تواند طرح کنند، عبارت‌اند از: بررسی رابطه گسترش اسلام‌ستیزی، اسلام‌گریزی و جریان‌های تکفیری؛ حمایت استعمارگران از جریان‌های تکفیری و اهداف آنان؛ بیداری اسلامی و خطر جریان‌های

تکفیری؛ بررسی شیوه‌های تبلیغی جریان‌های تکفیری؛ بررسی و معرفی ماهیت، اهداف و انگیزه‌های بدعت عملیات‌های انتحاری در کشتار مسلمانان و حرمت انتحار؛ معرفی سازمان‌های تکفیری و نقد و بررسی عملکرد و اندیشه آنان؛ مواضع جریان‌های تکفیری نسبت به دستاوردها و اکتشافات علمی؛ بررسی و معرفی فتاوی‌های شاذ جریان‌های تکفیری (حسینی گلکار، ۱۳۹۳، ص ۵۰۰). به هر حال هوشیاری و رصد مستمر فعالیت‌های این جریان‌ها به منظور مقابله با رشد و تقویت مجدد این جریان‌ها و اقدامات تروریستی آنها ضروری است.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با استفاده از روش سناریونویسی سه‌گانه خوش‌بینانه، بدبینانه و بینابینی، سناریوهای آینده فعالیت جریان‌های تکفیری تبیین گردید که شامل سه سناریوی قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تکفیری، سناریوی شکست کامل جریان‌های تکفیری و سناریوی حفظ حاشیه‌ای جریان‌های تکفیری و بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای علیه انقلاب اسلامی می‌شود.

سناریوی نخست که بدبینانه محسوب می‌شود، مربوط به شرایطی است که در حوزه‌های مختلف، سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای حتی نظامی با جریان‌های تکفیری مقابله‌ای صورت نگرفته، آگاهی بخشی انجام نشود و قدرت‌هایی نیز از این جریان‌ها حمایت کنند. طبیعتاً در چنین شرایطی جریان‌های تکفیری می‌توانند ضمن تقویت مجدد خود و انسجام بخشی به نیروها، حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی را از قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای یا شبکه‌های تروریستی دریافت کنند. سناریوی دوم که یک سناریوی مطلوب و به تعبیری خوش‌بینانه و در راستای اهداف و مصالح انقلاب اسلامی است، می‌تواند با تقویت محور مقاومت، اجماع و اتحاد دولت‌ها و اندیشمندان اسلامی برای مقابله با جریان‌های تکفیری و نیز حضور متعهدانه رسانه‌ها و آگاهی بخشی‌شان صورت گیرد و اقدامات مؤثر جهت سوق دادن جریان‌های تکفیری تا مرز نابودی و پراکندگی کامل انجام پذیرد. در چارچوب این سناریو، جریان‌های تکفیری جایی در آینده جهان اسلام ندارند و اقدامات و جنایات آنان سندی بر نابودی آنان است. این در حالی است که انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت عقل و منطق محور خود آینده روشنی برایش متصور است و این گفتمان تأثیر خود را بر فکر و اندیشه بخش قابل توجهی از نخبگان و مردم در کشورهای مختلف گذاشته و خواهد گذاشت. سناریوی سوم حفظ حاشیه‌ای جریان‌های تکفیری و بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از این جریان‌ها در راستای منافع مادی و سیاسی خود و علیه انقلاب اسلامی می‌باشد. در این سناریو با وجود تلاش رسانه‌ها برای آگاهی بخشی درباره

جریان‌های تکفیری و ایجاد کمپین عمومی علیه آنها، به دلیل اینکه توافق تمام‌عیاری بین دولت‌ها، اندیشمندان و فرهیختگان جوامع اسلامی برای مقابله اصولی و بنیادین با جریان‌های تکفیری وجود ندارد، این جریان‌ها می‌توانند سطوحی از پشتیبانی را برای انجام اقدامات تروریستی و حملات انتحاری در مناطق گوناگونی که به عنوان هدف در سطح منطقه و یا جهان شناسایی کرده‌اند، به دست آورند. همان‌گونه که امروزه در بخش‌هایی از خاک سوریه چنین اتفاقاتی مکرر صورت می‌گیرد یا اینکه در کشور افغانستان اقدامات تروریستی متعددی صورت می‌گیرد و جریان‌های تکفیری و داعش مسئولیت آنها را نیز بر عهده می‌گیرند.

در مجموع با توجه به سناریوهای مطرح‌شده، سناریوی مطلوب انقلاب اسلامی، شکست کامل جریان‌های تکفیری است و به نظر می‌رسد در آینده بلندمدت، این جریان‌ها جایگاهی در جهان اسلام نداشته باشند؛ لکن با توجه به وضعیت موجود و نیز تحولات نیم قرن گذشته منطقه غرب آسیا، حضور مستقیم قدرت‌های استعماری و استکباری به‌ویژه آمریکا در منطقه، اقتضای منافع این قدرت‌ها، منافع برخی قدرت‌های منطقه‌ای و نیز ظرفیت‌هایی که گروه‌های تکفیری دارند، پیش‌بینی می‌شود فی‌الجمله وضعیت موجود و حفظ حاشیه‌ای گروه‌های تکفیری از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای ادامه داشته باشد و به تناسب اقتضائات منافع، در زمان‌های مختلف و در مکان‌های متعدد بروز و ظهور داشته باشد: یک روز در عراق، یک روز در سوریه، روز دیگر در افغانستان یا پاکستان و در روزهای دیگر در مناطق دیگر و حتی در اروپا و آمریکا.



منابع و مآخذ

۱. — بررسی تهدیدهای جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۷.
۲. — بهبود وضع موجود تنها راه‌حل مبارزه با داعش، دیپلماسی ایرانی، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1971046>.
۳. تیشه‌یار، ماندانا، آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۴. حسینی گلکار، مصطفی، «آینده‌نگاری رفتار گروه‌های تکفیری»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، ۱۳۹۳.
۵. حقی، محمد، انقلاب اسلامی، جریان‌های تکفیری و آینده، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۷.
۶. دانشیار، علیرضا، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، ۱۳۹۵.
۷. رحمانی، جعفر و رضا ابروش، «جهانی‌شدن و آینده‌نگاری جایگاه فرهنگ اسلامی»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌نامه تبلیغ و ارتباطات دینی، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۸. سمیعی اصفهانی، علیرضا و محسن شفیعی سیف‌آبادی، «آینده‌گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۴.
۹. سنایی، اردشیر و مونا کاویانپور، «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۵.
۱۰. صابرفرد، علیرضا و سیداصغر جعفری، «تحلیل سناریوی تأثیرات آینده فعالیت‌های جریان‌های تکفیری مدرن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله ای با آن»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۴.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم و دیگران، «جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی با نگاهی به بیداری اسلامی منطقه»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۱.
۱۲. عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی، نشر معارف، ۱۳۹۲.

۱۳. فراتی، عبدالوهاب، «ایدئولوژی تکفیر؛ سرشت و راهبرد مواجهه با آن»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۶.
۱۴. کرمزادی، مسلم، «سلفی‌گرایی جهادی تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.
۱۵. کریمی حاجی خادمی، مازیار، «تبارشناسی جریان‌های تکفیری؛ بررسی موردی جنبش طالبان در افغانستان»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۱۶. کورنیش، ادوارد، آینده‌پژوهی پیشرفته، ترجمه سیاوش ملکی‌فر و فرخنده ملکی‌فر، نشر اندیشکده صنعت و فناوری، ۱۳۸۸.
۱۷. ملکوتیان، مصطفی و محمد حقی، «چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۶.
۱۸. مهدی‌زاده، جواد، «برنامه‌ریزی سناریویی گامی نو در برنامه‌ریزی راهبردی»، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۸۹.
۱۹. نبوی، عبدالامیر، «آینده داعش، گفت‌وگوی نشریه مثلث با دکتر عبدالامیر نبوی، در: <http://akharinkhabar.ir/analysis/4185153>، ۱۳۹۷/۱/۲۷.
۲۰. وب سایت انصار، روزنامه صبح افغانستان، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶، در: <http://www.ansardaily.com/view.php?kindex=8931>.
۲۱. هراتی، محمدجواد، «سناریوهای آینده تعامل دوسویه بیداری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲.

